

فلسفه فقه



توسعه فقه تنها از رهگذر «فلسفه فقه» ممکن می شود

چرا هر دانشی به «نگاه فلسفی» نیاز دارد؟

آیت‌الله احمد مبلنی

رئیس مرکز پژوهش‌های دینی تطبیقی التجدید در لبنان

مدعای ما در این گفتار این است که دانش فقه اگر بخواهد توسعه پیدا کند، این توسعه منحصرأ مبتنی بر «فلسفه فقه» است. اساساً هر دانشی نیاز به نگاه فلسفی دارد چون فلسفه موقعیت را می‌سنجد، بستر زمانی و مکانی را تحلیل می‌کند، امکانات آن دانش را محل سنجش قرار می‌دهد، وضعیت و نسبت آن دانش را با شرایط در نظر می‌گیرد، بعد یک برش فکری ارائه می‌دهد تا آن دانش مطابق آن حرکت کند و به توسعه برسد. از این رو است که می‌گوییم «فلسفه» امری ضروری برای «دانش» است.

مأموریت فلسفه فقه

برای تحلیل این گزاره که «توسعه دانش فقه نیازمند فلسفه فقه است» ابتدا باید دو عبارت «توسعه دانش» و «فلسفه فقه» را تفسیر و تبیین کنیم تا به نسبت سنجی درستی از این دو برسیم. توسعه یک دانش، شامل پالایش و گسترش مفاهیم و نظریات است که موجب پیشرفت و نوآوری در آن دانش می‌شود. فلسفه فقه هم علمی است که به تحلیل و نظارت بر مبادی علم.



دانش فقه

اگر بخواهد

در زمانه ما

توسعه داشته

باشد، نیاز

درد نخست

«فلسفی» شود

یعنی «فلسفه

فقه» داشته

باشد، دوم

«حقوقی»

و سوم

«تخصصی»

شود. فلسفه

فقه مقدم بر آن

دو دیگر است

که تأمین کننده

حقوقی سازی و

تخصصی سازی

فقه است

باشد و روش و ساختار فقه را متناسب و تنظیم کند.

این تنظیم‌گری را «فلسفه فقه» یا انباشتی از ایده‌ها و اندیشه‌ها انجام می‌دهد و «حرکت فقه» را برای ما

تبیین می‌کند. در این مسیر «تاریخ فقه» به فلسفه فقه

یاری می‌رساند و متقابلاً فلسفه فقه هم به شکل‌گیری

تاریخ فقه کمک می‌کند.

دانش فقه: پلی بین شریعت و مردم

توسعه دانش فقه سه بعد دارد: توسعه اندیشگی، توسعه تطبیقی و توسعه اجتماعی. مقصود از توسعه اندیشگی همین بحث‌های نظری و استنباطی و روشی است که بر دو قسم «توسعه کیفی» و «توسعه کمی» انجام می‌شود. توسعه کیفی دانش فقه به این معناست که دانش فقه به فلسفه وجودی خود نزدیک شود. فلسفه وجودی فقه این است که همچون پلی بین شریعت و مردم عمل کند تا مردم از روی این پل به شریعت برسند. توسعه کمی دانش فقه هم زمانی اتفاق می‌افتد که فقه، زوائدش را حذف کند و به مسائل دارای اولویتش بپردازد. یعنی این دانش از طرفی باید پالایش شود و از طرفی دیگر منجر به افزایش شود. فلسفه فقه به منظور تأمین این افزایش و پالایش، اقدام به پایش می‌کند.

روآمد شدن فقه: با حقوقی و تخصصی شدن این دانش

اساساً فقه اگر بخواهد در زمانه ما حرکت خود را به صورت دقیق‌تری تنظیم و تأمین کند، نیاز دارد که سه جنبه را در کنار هم رشد دهد: نخست «فلسفی» شود یعنی «فلسفه فقه» داشته باشد، دوم «حقوقی» و سوم «تخصصی» شود. فلسفه فقه مقدم بر آن دو دیگر است که تأمین‌کننده حقوقی سازی و تخصصی سازی فقه است.

مکتوب حاضر متن ویرایش و تلخیص شده «ایران» از سخنرانی آیت‌الله مبلنی است که در نشست «پشتا توسعه فقه بر فلسفه فقه» در محل پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی ارائه شده است.

نگاهی به فقه حکمرانی



عکس: hawzahnews

هر قدر به «فقه» بی توجهی کنیم به همان میزان گرفتار سکولاریسم می شویم

فقه حکمرانی

دکتر نجف لکزایی

استاد علوم سیاسی و رئیس پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

در فقه، بحث «عدالت» موضوعی محوری است و قلب فقه «حکم شرعی» است. اما در باب این پرسش که «آیا ما فقه حکمرانی داریم؟» باید گفت فقه کنونی ما، همه نهاد‌های اساسی ما را پوشش می‌دهد؛ نهاد خانواده، اقتصاد، بهداشت، تعلیم و تربیت، حکومت و... در واقع مقاصد فقه هستند. فقه در جهت حفظ جان و مال و عقل و نسل و دین مردم گام برمی‌دارد؛ اما با نظم عادلانه و خط مشی عادلانه و تسهیلگری‌های عادلانه، بنابراین فقه یعنی تنظیم حیات انسان و «حکمرانی» یکی از مؤلفه‌ها برای تنظیم حیات انسان است.

فقه زیربار نظم ظالمانه نمی‌رود

فقه به تنظیم امور در جامعه مدیریت بدون فقه، دانش سیاسی بدون فقه یا دانش اقتصاد بدون فقه ما را با آسیب‌هایی مواجه خواهد کرد. ما به صرف «تجربه»

و «علم» نمی‌توانیم به مدیریت مطلوب جامعه برسیم؛ چرا که فعل انسان ترکیبی از بخش‌های ارزشی، هنجاری، عرفی و تجربی است. اگر اینها را جدا کردیم به مقصدی که دین گفته، نمی‌رسیم. دانش حکمرانی هم افزایشی و هم سوبی همه اینها را طلب می‌کند.

از مکلف مطیع تا مکلف عاصی؛ در حیطه وظایف فقها

در ادبیات حکمرانی نوین بعد از تعیین هدف، گفته می‌شود که کشمگران مرتبط با هدف، باید پیامون تحقق آن هدف هم‌افزایی داشته باشند. فقه هم از مکلف مطیع تا مکلف عاصی را مدنظر قرار می‌دهد و برای همه قاعده و اصل دارد. نهاد‌های رسمی و دولت، تنها یکی از مخاطبان فقه هستند؛ عمده کار فقه متمرکز بر آحاد مردم است.

فقه هم تکلیف می‌کند و هم تشویق

فقه در طول قرن‌ها کار «تنظیم‌گری» هم انجام داده است. تنظیم‌گری بدون حضور فقه و قضاوت و در سطح کلان دین و اعتقادات ممکن نیست. از سیاستگذاری بدون دین، جامعه اسلامی درمی‌آید. فقه صرفاً تکلیفی برخورد نمی‌کند و تشویقی نیز عمل می‌کند. فقه هم فعل و هم فاعل را مدنظر قرار می‌دهد و به طور دقیق مشخص می‌کند در هر مکانی ما چه تکلیفی داریم.

فقه تا سطح تکنیک و تاکتیک هم پیش می‌رود

فقه ما فقه قرآنی است و فقه‌های ما، هم به محرک‌های معرفتی و هم محرک‌های انگیزشی کشمگران توجه دارند. کسانی که حکمرانی را تعریف می‌کنند سه مؤلفه «سیاستگذاری»، «تنظیم‌گری» و «تسهیلگری» را با هدف خدمت به جامعه مدنظر دارند. فقه علاوه بر اینها، در تنظیم‌گری ضمانت اجرا هم دارد. به این معنا که در جاهایی که انگیزه باید الهی باشد، برخی کشمگران را از مشارکت در تصمیم‌گیری حذف می‌کند؛ مثل کسی که ربا کرد و جزو دشمن طبقه‌بندی شد نمی‌توان با او همکاری کرد. اینچنین فقه تا سطح تکنیک و تاکتیک هم پیش می‌رود. فقه «محرک معرفتی» را نیز ایجاد می‌کند؛ به عنوان مثال بر والدین واجب است که به کودک خود قبل از سن تکلیف احکام شرعی را بیاموزند. پس فقیه، ما را بدون معرفت رها نمی‌کند. به این اعتبار می‌توان گفت «فقه حکمرانی» دست‌ور العمل‌هایی در حوزه حکمرانی فقه هم دارد.

مکتوب حاضر متن ویرایش و تلخیص شده «ایران» از سخنرانی دکتر نجف لکزایی است که در نشست علمی «ماهیت و نظام مسائل فقه حکمرانی» در محل پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی ارائه شده است.

آیا ما «فقه حکمرانی» داریم؟

فقه در جهت حفظ جان و مال و عقل و نسل و دین مردم گام برمی‌دارد؛ اما با نظم عادلانه و خط مشی عادلانه و تسهیلگری‌های عادلانه، بنابراین فقه یعنی تنظیم حیات انسان که به تنظیم امور در جامعه اسلامی می‌پردازد. ما هر قدر که به فقه بی‌توجهی کنیم به همان میزان گرفتار سکولاریسم می‌شویم. مدیریت بدون فقه، دانش سیاسی بدون فقه یا دانش اقتصاد بدون فقه ما را با آسیب‌هایی مواجه خواهد کرد. ما به صرف «تجربه» و «علم» نمی‌توانیم به مدیریت مطلوب جامعه برسیم؛ چرا که فعل انسان ترکیبی از بخش‌های ارزشی، هنجاری، عرفی و تجربی است. اگر اینها را جدا کردیم به مقصدی که دین گفته، نمی‌رسیم. دانش حکمرانی هم افزایشی و هم سوبی همه اینها را طلب می‌کند. فقه هم فعل و هم فاعل را مدنظر قرار می‌دهد و به طور دقیق مشخص می‌کند در هر مکانی ما چه تکلیفی داریم.



عکس: atlantisziado

نیاز به سرکوب‌شان نباشد. در چنین سیستمی «فرد» هم محصول قدرت و هم ابزار تبلور آن است و شناخت فرد سرآغاز شناخت قدرت است. از این رو است که کنترل پذیر کنند.



شبکه‌های اجتماعی

در قالب‌ها

و شیوه‌های

مختلف،

انسان معاصر

را متقاعد،

تشویق و حتی

وادار می‌کنند

تا هرچه

بیشتر خود را

روایت کند تا

رؤیت‌پذیرتر

شود. فوکو

این روند

را «تکنیک

اعتراف»

می‌نامد.

افراد وقتی

شفاف شوند،

شکندنده

می‌شوند و

وقتی رفتار

اجتماعی

افراد

کنترل پذیر

شود دیگر

نیاز به

سرکوب‌شان

نیست!

«تکنولوژی اعمال قدرت» از نگاه میشل فوکو

تکنیک اعتراف

شبکه‌های مجازی چطور ما را رؤیت‌پذیر و قابل کنترل می‌کنند؟

فلسفه علم

یاسین جلابیان

خبرنگار

دنیای امروز نهاد‌های قدرت با

استفاده از تکنولوژی، روش‌های جدیدی برای اعمال قدرت پیدا کرده‌اند؛ «تکنیک اعتراف» تنها یکی از این راه و روش‌هاست. این روش‌ها بدون اینکه بدانیم و کسی مجبورمان کرده باشد همه مشغول اعتراف هستیم. اعتراف به اینکه چه هستیم و که هستیم؛ شبکه ارتباطات و علایق و تمالاتمان چیست؛ چگونه می‌اندیشیم؛ زیست فردی و اجتماعی مان را با چه به چه فرد و نهادی دلبستگی داریم؛ از چه اموری پرهیز داریم و... هر روز شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های مجازی ما را ترغیب و تشویق می‌کنند که خود را هرچه بیشتر روایت کنیم و از درونیات ذهن و زندگی خود برای دیگران بگوئیم؛ غافل از اینکه هرچه بیشتر

www.newspaper.iran-daily.com

فرخوان ارزپایی کیشی

موضوع	شماره و تقاضا	تأمین کنترل ولو واحد تبدیل کانالیستی CRI	مبلغ تضمین شرکت در مناقصه به ریال
الف- مهلت دریافت اسناد ارزیابی کیفی از سامانه ستاد از تاریخ ۱۴۰۲/۱۲/۱۶ لغایت ۱۴۰۳/۰۱/۱۸	40-90-0242400020/S06	۲۰۰۵۲۹۱۷۹۰۰۰۸۲۵	۱۴۰۳/۰۱/۱۸
ب- آخرین مهلت ارائه و بارگذاری اسناد ارزیابی کیفی توسط مناقصه‌گران، مورخ ۱۴۰۳/۰۲/۰۲			۱۴۰۳/۰۲/۰۲

روابط عمومی - شرکت پالایش نفت آبادان